

بررسی رضایت از زندگی زناشویی در میان زوجین دارای سبک‌های سنتی و مدرن و عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با آن در شهر میاندوآب

فاطمه خان‌محمدی^۱

دکتر لطیف پرتوی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۹/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی مقایسه میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زوجین دارای سبک‌های سنتی و مدرن و عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با آن در شهر میاندوآب می‌باشد که این تحقیق از نوع پیمایشی که از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ با جمعیت نمونه ۳۸۲ نفر از زن و یا مرد متاهل شهر میاندوآب را شامل می‌شود. روش‌های آماری مطابق با فرضیه‌های تحقیق شامل همبستگی پیرسون، آزمون تی دو گروه مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه و تحلیل رگرسیون است. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین جنسیت و میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی وجود ندارد. رابطه معناداری بین میزان فاصله سنی زوجین برحسب سبک زناشویی با میزان رضایت زناشویی وجود ندارد. میانگین میزان رضایت زناشویی برحسب طبقه اقتصادی- اجتماعی به لحاظ آماری تفاوت معناداری دارد. همچنین میزان رضایت زناشویی برحسب تحصیلات بین دو گروه زوجین به لحاظ آماری تفاوت معناداری دارد. در میزان رضایت زناشویی در بررسی رابطه بین تعداد فرزندان در هر دو گروه زوجین (سنتی و مدرن) نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه و تایید این فرضیه است. نتایج در مورد اقتدار خانوادگی و میزان رضایت زناشویی نیز وجود رابطه مستقیم و معناداری بین دو گروه زوجین را نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که بین پای‌بندی به دین و رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: رضایت زناشویی، سبک زندگی زناشویی، ازدواج سنتی و ازدواج مدرن.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران.

۲. استادیار دانشگاه پیام نور مرکز مهاباد، مهاباد- ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

خانواده، به عنوان یک سیستم اجتماعی که شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج، تولیدمثل و پرورش فرزندان باهم زندگی می‌کنند. این سیستم و سازمان اجتماعی در طول تاریخ، نقش حیاتی برای رشد و پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا کرده است. پس خانواده بدون شک مهم‌ترین سازمانی است که بستر ساز رشد و رفاه جسمی، روانی و هم اجتماعی کودک و عامل رسیدن وی به تعادل فیزیکی، روانی و اجتماعی است (جعفری، ۱۳۸۶: ۳۲). رویداد ازدواج ورود به مرحله جدیدی از زندگی است که بخش مهم از حیات فردی و اجتماعی هر فرد را در بر می‌گیرد. پس می‌تواند گفت آن یک نهاد اجتماعی و حقوقی مهم می‌باشد که از طریق فراهم کردن مجموعه خاصی از حقوق، امتیازات، تهدیدات، مسئولیت‌ها و انتظارات نقش جدیدی از روابط زناشویی پایدار حمایت می‌کند که موجب بقاء و تداوم نهاد خانواده و ساختار اجتماعی می‌شود (زندگی‌پور و مومنی‌جاوید، ۱۳۹۰). ازدواج با هر هدفی که تشکیل شده باشد، رضایت از آن رضایت زناشویی در کیفیت و بقاء آن اثر غیرقابل انکاری دارد. وقتی زن و شوهر از ازدواج خود رضایت داشته باشند، خانواده از استحکام خوبی برخوردار می‌شود و آن‌ها می‌توانند با مسائل و مشکلات به درستی برخورد کنند و از آسیب‌ها در امان بمانند. مطالعات نشان داده‌اند که سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تاثیر می‌گذارد و روابط زناشویی رضایت‌بخش، زیربنای عملکرد خوب خانواده است و باعث رشد شایستگی و توانایی سازگاری در بین کودکان می‌شود (پروین و همکاران، ۱۳۹۳).

بنابراین به دلیل اهمیت ویژه خانواده محققین درصدد کشف راز و رمزهایی هستند که موجب رضایت‌مندی زناشویی را فراهم می‌سازد. رضایت زناشویی یکی از عوامل موثر در ثبات و پایداری خانواده‌ها و در عین حال بهداشت روانی همسران و فرزندان است. تمامی گزارش‌ها با وجود تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند نشان می‌دهند که میزان شیوع ناسازگاری زناشویی به صورت‌های مختلفی رو به افزایش است. نتایج مطالعات نشان داده در حدود ۰/۵۵ ازدواج در آمریکا، ۰/۴۲ در انگلستان و ۰/۳۷ در آلمان به طلاق منجر شده است (هالفورد، ۱۳۸۵؛ به نقل از یزدانی، ۱۳۸۹). این آمارها وضعیت نابسامان خانواده‌ها و کاهش رضایت از زندگی زناشویی در جهان را بیان می‌کند. زیرا کاهش رضایت از زندگی زناشویی سبب بروز اختلاف خانوادگی و در صورت حل نشدن این اختلاف و مشکلات در بین زوجها سبب طلاق می‌شود. با توجه به نتایج این آمارهای انجام شده در کشور ما طی دو دهه گذشته ساخت خانواده و رضایت زناشویی رو به سست شدن می‌باشد و به پیوندهای زناشویی با ناسازگاری در بین زوجها به صورت افزایش طلاق و اختلافات خانوادگی در کشور خود را نشان داده است که در گذشته جوانان با گزینه‌های معدودی از شیوه همسرگزینی رو به رو بودند و همان شیوه سنتی که با اصول خواستگاری رسمی و خانوادگی شروع می‌شد و خانواده‌ها همدیگر را می‌سنجیدند تا ببینند که آیا مطابق اصول و هنجارهای یکدیگر هستند یا نه، در این ازدواج‌ها به دلیل این که حضور خانواده‌ها پررنگ بود و از روی عقل صورت می‌گرفت میزان طلاق

کم بود. اما امروزه جوانان با یک شکل دیگر از ازدواج به نام ازدواج مدرن که در این نوع ازدواج‌ها دختر و پسر دور از چشم خانواده با هم رابطه دارند (انالین ۱). نظر بر این است که ازدواج‌های مدرن چندان درست به نظر نمی‌رسند، چرا که دختر و پسر بدون اطلاع خانواده و دور از تجربیات والدین، خودشان انتخاب می‌کنند، خودشان تصمیم می‌گیرند با هم مزدوج می‌شوند و زمانی که آتش عشق‌شان فروکش کرد تازه به این فکر می‌افتند که داشته‌های شریک زندگی‌شان نمی‌تواند تامین کننده نداشته‌های‌شان باشد در نتیجه جوانان امروزی به جای ارزش نهادن به آن چه انتخاب کرده‌اند راهی دادگاه‌ها شده تقاضای طلاق می‌دهند. بنابراین با توجه به اهمیت و نقش رضایت از زندگی بین زوجین و با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف در این زمینه لزوم توجه و بررسی این متغیر در جهت کاهش تعارضات و اختلافات خانوادگی و افزایش رضایت زناشویی احساس می‌شود. زیرا علل آسیب‌های اجتماعی به خانواده‌های از هم گسیخته (ناسازگار) نسبت می‌دهند.

از آن‌جا که خانواده نخستین کارگزار جامعه‌پذیری است، تصور منطقی آن است که هر نوع گسیختگی در نهاد خانواده خصوصاً ناسازگاری و نارضایتی زناشویی و طلاق بر فرایند جامعه‌پذیری تاثیر منفی دارد. خانواده از هم گسیخته و ناراضی از زندگی زناشویی از ساختار مطلوبی برخوردار نیست و کارکردهای هر یک از اجزای ساختاری نتیجه مثبتی را برای کل خانواده در بر ندارد و می‌تواند آسیب‌هایی برای خانواده پدید آورد که به چند موارد آن اشاره می‌شود:

۱. ارضاء نشدن نیازهایی اعضای خانواده: در چنین خانواده‌هایی نیازهای فرزندان و سایر اعضای خانواده برآورد نمی‌شود، به همین جهت در این نوع خانواده‌ای جو نامطلوبی حاکم است.
۲. فقدان انعطاف و صمیمیت در خانواده: در خانواده‌های از هم گسیخته، صمیمیتی بین اعضا وجود ندارد و از این رو برای حل مسائل خود از انعطاف لازم برخوردار نیستند.
۳. جنگ و قدرت و نبود آزادی در خانواده: در چنین خانواده‌هایی همواره بین اعضای خانواده جنگ و ستیز برای دستیابی به قدرت وجود دارد و از آزادی و دموکراسی خبری نیست. ساختار خانواده بر نبود اعتماد است و سرزنش و انتقاد اعضا از هم پا گرفته است (تقی‌پور، ۱۳۹۱).

نامیدی از بهبود روابط زوجین، بینش‌های سوگیرانه و نادرست و روابط غلط، علاوه بر اثرات سوئی که بر ارتباطات بین همسران می‌گذارد، بی‌تردید ساختار خانواده را نیز متزلزل می‌نماید که این متزلزل خانواده نیز بر سلامت روان کودکان و رشد طبیعی و سالم آن‌ها اثرات مخربی برجایی می‌گذارد. بر این اساس توجه به خانواده و توجه به روابط زوجها که الگوی اصلی و اولیه زوجین هستند، ضروری به نظر می‌رسد (عامری، ۱۳۸۲؛ به نقل از جعفری، ۱۳۸۶). زیرا که این نارضایتی‌ها و ناسازگاری‌ها در زندگی زناشویی علاوه بر این که مشکل روانی مانند افسردگی می‌گردد، باعث جدایی و نابسامانی در خانواده می‌شود. حال با توجه به جامعه ایران و ساختار فرهنگی و اجتماعی موجود فعلی جامعه و این که در جامعه ایران زناشویی در قالب دو سبک سنتی و مدرن انجام می‌گیرد، در تحقیق حاضر می‌خواهیم بررسی کنیم که میزان رضایت از زندگی

زناشویی در میان زوجین دارای سبک‌های سنتی و مدرن چگونه است و مهم‌ترین عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر آن در شهر میاندوآب کدامند؟

هدف کلی تحقیق

- تعیین میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زوجین دارای سبک‌های سنتی و مدرن و عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با آن در شهر میاندوآب.

اهداف جزئی

۱. تعیین تفاوت جنسیت با میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی
۲. تعیین رابطه فاصله سنی با میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی
۳. تعیین رابطه اقتدار خانوادگی با میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی
۴. تعیین رابطه میزان پای‌بندی دین با میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی
۵. تعیین تفاوت پایگاه اقتصادی - اجتماعی با میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی
۶. تعیین تفاوت تحصیلات با میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی
۷. تعیین رابطه تعداد فرزندان با میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی.

پیشینه تجربی

صداقت (۱۳۸۲)، در تحقیق خود به بررسی رابطه سن ازدواج، فامیلی یا غیر فامیلی بودن ازدواج، تعداد فرزندان و تشابه اعتقادی با رضایت زناشویی در میان ۲۷۶ نفر از دبیران شهر تهران پرداخت به این نتیجه رسید که، زنانی که در سنین زیر بیست سالگی ازدواج کرده‌اند رضایت کمتری دارند و کسانی که در سن ۲۰ تا ۳۰ سال ازدواج کرده‌اند بهترین رضایت زناشویی را دارند. در این تحقیق مردان دارای دو فرزند دارای بالاترین میزان رضایت زناشویی و مردان ۴ فرزند و بیشتر دارای کمترین رضایت زناشویی بوده‌اند. بعلاوه هر چه طول مدت ازدواج زنان بیشتر باشد رضایت زناشویی آنها کاهش یافته و با افزایش سن آنها رضایت زناشویی‌شان کاهش یافته است. همچنین بین کسانی که ازدواج فامیلی داشتند با کسانی که ازدواج غیرفامیلی داشتند، تفاوت معناداری مشاهده نشده است (سحابی، خانی و خانی، ۱۳۹۲).

موسوی؛ نوایی‌نژاد و عاطف وحید (۱۳۸۴)، تحقیقی با هدف بررسی تاثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه دولتی شهر تهران با حجم نمونه ۸۰ نفر انجام دادند. نتایج انجام شده نشان داد که تعارضات زناشویی در دانشجویانی که قبل از ازدواج رابطه داشته‌اند نسبت به افرادی که رابطه نداشتند کمتر است و تفاوت بین این دو گروه معنادار می‌باشد. همچنین کاهش همکاری زوجین در دانشجویانی که رابطه داشته‌اند نسبت به افرادی که رابطه نداشتند کمتر بوده و نتایج حاصله نشان داد بین

این دو گروه نیز تفاوت معناداری وجود دارد. با وجود این که کاهش رابطه جنسی زوجین در دانشجویانی که رابطه داشتند نسبت به افرادی که رابطه نداشتند کمتر است ولی این تفاوت معنادار نمی‌باشد و میزان افزایش واکنش هیجانی نیز در دانشجویانی که رابطه داشته‌اند کمتر از گروه دیگر بوده این تفاوت نیز معنادار می‌باشد. همچنین در دو مولفه کاهش رابطه با خانواده همسر و دوستان و افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود اگرچه تفاوت به نفع دانشجویانی که رابطه داشته‌اند می‌باشد، ولی این تفاوت معنادار نیست و در مجموع بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد و هم دانشجویانی که قبل از ازدواج رابطه داشتند نسبت به دانشجویانی که قبل از ازدواج رابطه نداشتند کمتر امور مالی را از یکدیگر جدا می‌کند.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیق خود به بررسی ارتباط رضایت جنسی و رضایت زناشویی در بین ۲۹۲ زن و مرد متأهل که جهت ملاقات بیماران خود به بیمارستان‌های منتخب منطقه غرب تهران مراجعه می‌کردند به روش نمونه‌گیری انتخاب شده پرداختند، نتایج نشانگر آن بود که رضایت از زندگی زناشویی با رضایت جنسی ارتباط معنی‌دار دارد. همچنین رضایت جنسی با فاصله سنی زوجین، مدت زمان ازدواج، وضعیت اعتیاد واحدهای مورد پژوهش ارتباط معناداری داشته است. علاوه بر آن بین رضایت از زندگی زناشویی و فاصله سنی زوجین، ارتباط آماری معنی‌داری دیده می‌شود. این درحالی است که بین دیگر متغیرهای مورد بررسی (سن، جنس، وضعیت بارداری، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی، مدت زمان ازدواج، استفاده از روش پیشگیری از بارداری و وضعیت اعتیاد) با رضایت جنسی و رضایت زندگی زناشویی ارتباط آماری معنی‌دار دیده نشده است.

الماسی؛ خیبری؛ فراهانی و حمایت‌طلب (۱۳۸۹)، تحقیقی درمورد بررسی رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی ورزشکاران و مقایسه آن با افراد عادی پرداخته‌اند که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین سبک زندگی و رضایت زناشویی ورزشکاران رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد که این رابطه در مورد افراد عادی نیز معنادار بود. بعلاوه نتایج نشان‌دهنده این است که سبک زندگی ورزشکاران معنادار نبوده است. همچنین بین جنس، سن، مدت ازدواج و میزان درآمد با سبک زندگی ورزشکاران در سطح معنادار بالاتر است و در مورد رضایت زناشویی بین افراد عادی ورزشکاران تفاوت دیده نشده است. بر اساس یافته‌ها، ارتباط سابقه فعالیت ورزشی، تعداد فرزندان، مدرک تحصیلی، سن، مدت ازدواج و میزان درآمد از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با رضایت زناشویی ارتباط معناداری مشاهده شده که رابطه بین مدت ازدواج با رضایت زناشویی معکوس بوده است. بعلاوه نتایج نشان داده که بین متغیر جنسیت از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با سبک زندگی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

طاهری تیمورلویی (۱۳۸۹)، تحقیقی در مورد تعیین عوامل موثر بر میزان رضایت زناشویی در میان زنان شهر آذرشهر (زنان متأهل بالای ۱۵ ساله) با حجم نمونه ۳۵۴ زن انجام دادند، که نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌ها نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین متغیرهای دین‌داری، سرمایه اجتماعی و طول مدت ازدواج به عنوان متغیر مستقل با میزان رضایت زناشویی به عنوان متغیر وابسته می‌باشد. همچنین میزان

رضایت زناشویی بر اساس ساختار قدرت در خانواده، پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و تحصیلات زنان متفاوت است. میزان رضایت زناشویی براساس وضعیت اشتغال زنان متفاوت نبوده و بین فاصله سنی زوجین و رضایت زناشویی رابطه وجود ندارد.

وزیری (۱۳۹۴)، تحقیقی در مورد بررسی پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس نیازهای اساسی آن‌ها که در شهر اصفهان از میان کلیه زوج‌های این شهر تعداد ۸۲ زوج به عنوان نمونه انتخاب شده پرداخت. نتایج به دست آمده نشان داده است که رضایت زناشویی مردان بر اساس نیازهای آزادی و عشق و تعلق آن‌ها و نیز نیازهای آزادی، تفریح، عشق و تعلق همسران‌شان به طور معنادار پیش‌بینی شد و بعلاوه رضایت زناشویی زنان بر اساس نیازهای تفریح و آزادی آن‌ها پیش‌بینی گردید. بر اساس این پژوهش، نیازهای عشق، تعلق و تفریح به افزایش رضایت زناشویی کمک می‌کند، در حالی که نیاز به آزادی می‌تواند در تضاد با رضایت زناشویی قرار بگیرد.

گیلین (۱۹۹۴)، در مطالعه‌ای ارتباط بین رضایت زناشویی و بلوغ دینی ۴۰۰ زوج از چهار فرقه پروتستان را بررسی کرد. یافته‌های متکی بر گزارش‌های زنان و شوهران‌شان بود. جهت‌گیری دینی آزمودنی‌هایی که بالاترین نمره را در رضایت‌مندی زناشویی داشتند، درونی بود.

مولینز و همکاران (۲۰۰۱)، طی پژوهشی به بررسی رابطه عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی و شادکامی پرداختند. نتایج نشان داد که دین‌داری به گونه‌ای معنادار با سازگاری زناشویی و شادکامی همسران بستگی دارد. این پژوهشگران دریافتند که اثر دین‌داری بر ازدواج در گروهی که مسن‌تر بودند بیشتر و چشمگیرتر است (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷). لوینسن و همکاران (۲۰۰۶)، از طریق برنامه‌های آموزشی با هدف افزایش میزان بخشودگی در گروه آزمایشی نشان دادند که افزایش معناداری در این عامل، افزایش میزان رضایت از زندگی زناشویی، همدلی و بهزیستی نسبت به گروه کنترل را باعث می‌شود (نجفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵).

پرکر (۲۰۰۲)، در تحقیقاتی نشان داد که زوج‌هایی که مدتی طولانی از ازدواج‌شان می‌گذرد، بهتر قادرند تا عواطف و هیجان‌شان را در برابر سختی و مشکلات تنظیم کنند و رضایت بیشتری نسبت به زوج‌های جوان‌تر تجربه می‌کنند و هلرواتون (۲۰۰۵)، دریافت که بین رضایت شغلی و رضایت زناشویی رابطه مثبتی وجود دارد (قلی‌زاده؛ برزگری، غریبی و باباپور خیردین، ۱۳۸۹: ۵۸).

نتایج تحقیق هورول (۲۰۰۱)، نشان داد که افرادی که ازدواج فامیلی دارند، سازگاری و رضایت زناشویی پایینی داشته و تعارض بیشتری با خانواده خود نسبت به افراد دارای ازدواج غیرفامیلی دارند و هم‌چنین کارنی و برادبوری (۲۰۰۰)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که روی هم رفته، سن بالاتر در زنان، ازدواج با ثبات رضایت زناشویی بیشتری را پیش‌بینی می‌کنند (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲). کارنی و کومیز (۲۰۰۰)، به نقل از مبیید (۱۳۸۸)، رضایت زناشویی را در توافق زن و شوهر در مورد اموری که ممکن است

مسائل حادی به بار آورد، مثلاً علایق و فعالیت‌های مشترک، ابراز علاقه‌مندی مکرر و اعتماد متقابل، شکایت اندک و شکایت نادر از احساس تنهایی، سیه‌بختی، رنجش و مانند این‌ها ذکر می‌کنند.

فرضیه‌های تحقیق

۱. میزان رضایت زناشویی بر حسب جنسیت متفاوت است.
۲. بین فاصله سنی و میزان رضایت زناشویی بر حسب سبک زناشویی رابطه وجود دارد.
۳. بین اقتدار خانوادگی و میزان رضایت زناشویی بر حسب سبک زناشویی رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان پای‌بندی دین و میزان رضایت زناشویی بر حسب سبک زناشویی رابطه وجود دارد.
۵. میزان رضایت زناشویی بر حسب پایگاه اقتصادی-اجتماعی متفاوت است.
۶. میزان رضایت زناشویی بر حسب تحصیلات متفاوت است.
۷. میزان رضایت زناشویی بر حسب تعداد فرزندان متفاوت است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

- میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی

متغیرهای مستقل

- جنسیت، فاصله سنی، اقتدار خانوادگی، پایبندی به دین، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تحصیلات و تعداد فرزندان

چارچوب نظری

چارچوب نظری تحقیق حاضر از ترکیب نظریات همسان همسری و نظریه منابع مبادله گرفته شده و بر مبنای آن‌ها فرضیات تحقیق ساخته و پرداخته شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد. هم‌چنین از نوع بعد زمانی در زمره تحقیقات مقطعی می‌باشد و از نظر معیار اجرایی از نوع تحقیقات کاربردی است.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

- سبک زناشویی:

سبک زندگی زناشویی، الگوی زندگی افراد یا همان زوجها است که در فعالیت‌ها، دلبستگی‌ها و افکار شخصی زن و مرد خود را نشان می‌دهد (پورمیدانی؛ نوری و شفقتی، ۱۳۹۳).

- سبک ازدواج سنتی:

خانواده‌ها برای ازدواج فرزندان خود نکاتی را در نظر می‌گیرند و معمولاً با خواستگاری رسمی آغاز می‌شود. خانواده‌ها همدیگر را می‌سنجند تا ببینند که مطابق اصول و هنجارهای همدیگر هستند یا نه و بعد اگر مطابقت کرد از دختر و یا پسر نظرخواهی می‌کنند. در سبک ازدواج سنتی از پاسخ‌دهنده‌ها می‌خواهیم که به این سوال جواب دهند که آیا در ازدواج شما خانواده هم دخالت داشته یا نه.

- سبک ازدواج مدرن:

ازدواجی است که دختر و پسر بدون هیچ قصدی برای ازدواج وارد یک رابطه‌ای عاطفی و عاشقانه می‌شوند، بدون این که خانواده‌ها در جریان این رابطه باشند و این رابطه عاطفی بعضاً به رابطه جنسی نیز می‌انجامد و بعد از مدتی به دلیل احساس تعهد و مسئولیتی که نسبت به طرف مقابل ایجاد می‌شود، تن به ازدواج می‌دهند. در این نوع سبک از پاسخ‌دهنده‌ها می‌خواهیم که به این سوال جواب دهند که در ازدواج خودشان تمام مراحل، یعنی آشنایی قبل و بعد از ازدواج را بدون نظرخواهی از خانواده انجام دادند و آیا قبل از ازدواج با هم رابطه داشتند یا نه.

- رضایت زناشویی:

عبارت است از احساسات مرتبط با خوشنودی و برخورداری از تجربه‌های خوشایند در زندگی مشترک پس از ازدواج می‌باشد که در سه سطح رضایت از ازدواج، رضایت از خانواده و رضایت کلی از زندگی سنجیده می‌شود (تیمورلویی، ۱۳۸۹). در این تحقیق منظور از رضایت از زندگی زناشویی نمره‌ای است که افراد در مقیاس فاصله‌ای کسب می‌کنند. پایایی این گویه‌ها ۰/۹۰۲ می‌باشد.

- پای‌بندی به دین:

به نظر دورکیم دین عبارت است از: یک نظام متشکل از عقاید که افراد را تحت سازمان اجتماعی خاصی به هم نزدیک می‌کند و به عنوان نیروی متشکل‌کننده اجتماعی است (ادیبی و انصاری، ۱۳۸۳: ۷۳). پای‌بندی به دین یعنی ایمان به خدا، تلاش در جهت شناخت خدا، ترس از غضب الهی و عمل کردن مطابق ضوابط مذهبی می‌باشد (یزدانی، ۱۳۸۹). در این تحقیق برای عملیاتی کردن پایبندی به دین با در نظر گرفتن ابعاد زیر تعریف می‌شود:

۱. خواندن قرآن: یعنی چه قدر به قرآن خواندن علاقه وجود دارد.
۲. پای‌بندی به فرایض دینی: یعنی چه قدر به فرایض دینی پای‌بندی وجود دارد.
۳. به موقع نماز خواندن: آیا به موقع نماز می‌خواند.
۴. دعا کردن: یعنی چه قدر به دعا کردن اعتقاد دارد.

۵. شرکت در مراسم مذهبی: یعنی آیا در مراسم‌های مذهبی شرکت می‌کند.
۶. رعایت حلال و حرام: یعنی آیا در زندگی به حلال و حرام اعتقاد دارد.
۷. عمل به احکام دینی: یعنی تا چه حد به احکام دینی در زندگی عمل می‌کند. پایایی این گویه‌ها ۰/۶۴۹ می‌باشد.

- اقتدار خانوادگی:

از نظر ماکس وبر قدرت عبارت است از امکانی که فاعل برای تحصیل اراده خویش بر دیگری حتی در صورت مقاومت او دارا است، پس قدرت در چارچوب یک رابطه اجتماعی قرار دارد و معرف وضعی نابرابر است که در آن یکی از فاعلان اراده خود را بر دیگری تحمیل می‌کند (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۱۳۵). ساختار اقتدار خانوادگی عبارت است از: سلسله مراتبی تصمیم‌گیری و اقتدار موجود در بین اعضای خانواده- (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۱۰۶)، که به صورت زیر عملیاتی می‌شود:

۱. تصمیم‌گیری در مورد خریدهای اساسی مانند ماشین، یخچال و تعویض خانه: یعنی در مورد این‌ها چه کسی، زن یا مرد یا هر دو و یا اطرافیان زن در تصمیم‌گیری اساسی نقش دارند.
۲. در مورد اسم و تنبیه فرزندان: یعنی چه کسی در مورد انتخاب اسم فرزندان و یا در مورد تنبیه آن‌ها تصمیم می‌گیرد.
۳. در مورد رفتن به مهمانی‌ها: یعنی چه کسی در مورد مهمانی رفتن و گرفتن مهمانی‌ها تصمیم می‌گیرد.
۴. در مورد خوراک: یعنی چه کسی تصمیم می‌گیرد چه خوراکی در خانه تهیه شود.
۵. در مورد استفاده از تلویزیون: یعنی چه کسی در مورد زمان تفریح در خانه مانند تماشا و یا استفاده از تلویزیون تصمیم می‌گیرد.
۶. زمان ازدواج فرزندان: یعنی چه کسی در مورد ازدواج فرزندان تصمیم می‌گیرد.
۷. خرج کردن پول: یعنی چه کسی در مورد خرج کردن پول و یا پول توجیبی فرزندان تصمیم می‌گیرد. پایایی آن ۰/۳۹۶ می‌باشد.

- پایگاه اقتصادی- اجتماعی:

پایگاه به موقعیت اجتماعی فرد در یک گروه یا به مرتبه اجتماعی او در مقایسه با گروه دیگر اطلاق می‌شود (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۴۰). می‌توان ملاک‌های زیر را برای ارزش‌گذاری در جامعه‌ای مشاهده کرد:

۱. ثروت
۲. شغل
۳. تحصیلات (تیمورلویی، ۱۳۸۹). در تحقیق حاضر از شاخص اجتماعی- اقتصادی دانکن برای تعیین پایگاه اقتصادی- اجتماعی استفاده می‌شود که در این شاخص شغل، تحصیلات و درآمد، به عنوان سه مولفه عمده در تعیین پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد می‌باشد. پایگاه اقتصادی- اجتماعی از مجموعه نمرات درآمد، تحصیلات و نوع شغل زوجین به دست آمد.

جامعه آماری

بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن مرکز آماری ایران در سال ۱۳۹۰، از کل جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، در میان مردان، ۳۷۵۶۴ نفر ازدواج کرده و ۲۰۲۱۲ نفر ازدواج نکرده و در میان زنان، ۴۱۴۳۲ نفر ازدواج کرده و ۱۴۴۰۳ نفر ازدواج نکرده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به دست آمد:

$$n = \frac{nt^2.pq}{nd^2 + t^2pq}$$

$$n = \frac{78996 \times 1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{[78996 \times 0/05^2] + [1/96^2 \times 0/5 \times 0/5]} = 382.30$$

شیوه نمونه‌گیری

ابتداء شهر میاندوآب بر اساس تعدادی از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی به ۲۰ منطقه یا محله تقسیم شد، سپس از بین این محله‌ها ۵۰ درصد ۱۰ محله یا منطقه به صورت تصادفی انتخاب گردید، از میان ۱۰ منطقه از طریق قرعه‌کشی ابتدا خیابان‌ها و از هر خیابان به صورت تصادفی ساده کوچه‌ها و منازل مسکونی انتخاب و در هر خانوار یک پرسشنامه توزیع شد.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار اندازه‌گیری تحقیق حاضر به صورت پرسشنامه (پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ) می‌باشد، که پرسشنامه ساخته شده شامل اطلاعات دموگرافیک و سوالاتی در ارتباط با نوع ازدواج (سنتی و مدرن) و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ جهت بررسی وضعیت رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفت. والسون و همکاران ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه را ۰/۹۲ به دست آورده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان ۳۸۲ نفر زنان ۱۷۹ یعنی ۴۸ درصد و تعداد مردان ۲۰۲ نفر با درصد ۵۳ می‌باشد. تعداد زنان و مردان در حجم نمونه انتخابی تقریباً برابر می‌باشد. بیشتر زوجین مورد مطالعه سطح تحصیلات‌شان با ۵/۷ درصد در حد متوسط یعنی دیپلم می‌باشد و بعد از آن ۳۱ درصد افراد سطح تحصیلات‌شان در مقطع لیسانس و فقط یک نفر بی‌سواد بوده است. سطح ابتدایی و راهنمایی نیز جمعاً ۱۳ درصد از افراد را تشکیل می‌دهند. ۷۵ درصد یا سه چهارم افراد مورد مطالعه سطح تحصیلات‌شان در حد متوسط به بالا می‌باشند. توصیف وضعیت تحصیلی همسر پاسخگویان نیز نشان می‌دهد که مانند پاسخگویان سطح تحصیلات دیپلم با ۳۹/۴ درصد بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است و بعد از آن مقطع لیسانس با ۲۹/۱ درصد در ردی بعدی قرار دارد، هیچ یک از همسر پاسخگویان بی‌سواد نبوده و حدود یک چهارم همسران تحصیلات‌شان زیر دیپلم می‌باشد. ۷۵ درصد همسران سطح تحصیلات‌شان متوسط به بالا بوده است.

وضعیت رضایت زناشویی در بین زوجین با سبک سنتی

با توجه به دامنه تغییرات این شاخص که بین ۳۱/۳۱ تا ۶۸/۴۶ نوسان داشته است که انحراف معیار برابر ۱۰/۲۶ است و بیانگر این است که پراکندگی نمرات شاخص پیرامون میانگین چندان زیاد نیست که از این رو، آماره میانگین می‌تواند بهترین توصیف‌کننده توزیع باشد. مقدار متوسط شاخص ۴۸/۶۹ بود که نشان‌دهنده رضایت از زناشویی متوسط به پایین زوجین با سبک زناشویی سنتی می‌باشد.

وضعیت رضایت زناشویی در بین زوجین با سبک مدرن

با توجه به دامنه تغییرات این شاخص که بین ۳۰/۸۹ تا ۶۹/۳۰ نوسان داشته است. انحراف معیار برابر ۹/۴۵ است و بیانگر این است که پراکندگی نمرات شاخص پیرامون میانگین چندان زیاد نیست و از این رو، آماره میانگین می‌تواند بهترین توصیف‌کننده توزیع باشد. مقدار متوسط شاخص ۵۱/۶۲ بود که نشان‌دهنده رضایت از زناشویی متوسط به بالای زوجین با سبک زناشویی مدرن می‌باشد.

۱. در فرضیه اول از آزمون تی تست دو گروه مستقل استفاده شد و با فرض برابری واریانس‌ها سطح معنی‌داری آزمون تی برای این فرضیه بیشتر از سطح (۰/۰۵) بوده و تفاوت معنی‌داری بین جنسیت یعنی مرد و زن بوده است و میزان رضایت از زناشویی در سبک زناشویی سنتی وجود ندارد. همچنین در آزمون تی تستی که برای افرادی که سبک زناشویی مدرن دارند گرفته شد با فرض برابری واریانس‌ها، سطح معنی‌داری آزمون تی این فرضیه مورد تایید قرار نگرفته و هیچ تفاوتی بین جنسیت و میزان رضایت از زناشویی در این گروه وجود ندارد.

۲. بین فاصله سنی و میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی رابطه وجود دارد. در فرضیه دوم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۸۰۴) رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد، بنابراین فرضیه مورد نظر تایید نشد و بین میزان فاصله سنی زوجین با سبک زناشویی سنتی و میزان رضایت از زناشویی آن‌ها رابطه‌ای وجود ندارد.

۳. بین اقتدار خانوادگی و میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی رابطه وجود دارد. در این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) است. پس زوجینی که سبک زناشویی‌شان سنتی است نشان می‌دهد، بین میزان اقتدار خانوادگی زوجین با سبک زناشویی سنتی و میزان رضایت از زناشویی آن‌ها رابطه وجود دارد و با توجه به ضریب همبستگی (۰/۲۷۸) رابطه‌ای مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد، یعنی هرچه میزان اقتدار خانوادگی در بین زوجینی که سبک زناشویی سنتی دارند بالا باشد، به همان نسبت میزان رضایت آن‌ها از زندگی‌شان بالاتر می‌رود.

همچنین آزمون همبستگی که برای زوجین دارای سبک زناشویی مدرن گرفته شد سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) نشان از تایید این فرضیه در بین این گروه نیز می‌باشد و با توجه به ضریب همبستگی (۰/۵۰۴) رابطه‌ای مستقیم و مثبت بین میزان اقتدار خانوادگی زوجینی که سبک زناشویی مدرن دارند و میزان

رضایت از زناشویی آن‌ها وجود دارد و هرچه میزان اقتدار خانوادگی در بین این گروه از زوجین بالاتر باشد میزان رضایت از زناشویی آن‌ها نیز بالاتر می‌رود.

۴. بین میزان پای‌بندی دین و میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی رابطه وجود دارد. برای بررسی رابطه بین دو متغیر در فرضیه چهارم از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این آزمون که برای زوجین با سبک زناشویی سنتی گرفته شده است با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان از تایید این فرضیه در این گروه از زوجین و ضریب همبستگی (۰/۴۰۴) نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین این دو متغیر است. بنابراین بین میزان پای‌بندی به دین زوجین سنتی و میزان رضایت از زناشویی آن‌ها رابطه وجود دارد. به عبارتی هرچه میزان پای‌بندی به دین در این گروه از زوجین بالاتر برود میزان رضایت از زناشویی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. همچنین نتایج آزمون پیرسون برای زوجین با سبک زناشویی مدرن برای بررسی رابطه بین پای‌بندی به دین و میزان رضایت از زناشویی نشان می‌دهد که فرضیه مورد نظر در این گروه از زوجین نیز مورد تایید می‌باشد، یعنی هرچه میزان پای‌بندی به دین در بین زوجین با سبک زناشویی مدرن بالاتر باشد میزان رضایت آن‌ها از زناشویی‌شان بیشتر می‌شود.

۵. میزان رضایت زناشویی برحسب پایگاه اقتصادی-اجتماعی متفاوت است.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. بر اساس نتایج تحلیل واریانس بیانگر آن است که میانگین میزان رضایت از زناشویی بر حسب طبقه اجتماعی به لحاظ آماری تفاوت معناداری دارد. بعد از انجام تحلیل واریانس و مشاهده‌ی معناداری آن، نظر به این که در آزمون لئون مقدار سطح معنی‌داری به دست آمده ($\text{sig}=0/237$ و $\text{levne}=1/451$) از ۰/۰۵ بزرگ‌تر می‌باشد، لذا واریانس‌ها همگن هستند. حال از طریق آزمون تعقیبی LSD به این موضوع پرداخته شده است که معناداری آزمون بین کدام جفت از میانگین‌های مورد بررسی، بوده است. نتایج آزمون گویای آن است که تفاوت معنادار آزمون به معناداری میانگین پایگاه اجتماعی متوسط به پایین ($\text{sig}=0/036$) بوده است به این صورت که زوجینی که پایگاه اقتصادی پایینی دارند دارای رضایت زناشویی پایین‌تری نسبت به زوجین دارای پایگاه اجتماعی متوسط می‌باشند.

اما نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و رضایت از زناشویی زوجینی که سبک زناشویی مدرن دارند با فرض برابری واریانس نشان می‌دهد که تفاوت بین این دو متغیر معنی‌دار نیست. بنابراین میزان رضایت از زناشویی زوجینی که سبک زندگی آن‌ها مدرن است بر اساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی متفاوت نیست.

۶. میزان رضایت زناشویی بر حسب تحصیلات متفاوت است.

بزرگ‌ترین میانگین رضایت از زناشویی به ترتیب برای سطح تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر، دیپلم، راهنمایی، لیسانس، دبیرستان و ابتدایی مشاهده شده است. از آن جا که متغیر مستقل به صورت مقیاس

ترتیبی و متغیر وابسته به صورت فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. بر اساس نتایج تحلیل واریانس بیانگر آن است که میانگین میزان رضایت از زناشویی برحسب تحصیلات به لحاظ آماری تفاوت معناداری دارد. بعد از انجام تحلیل واریانس و مشاهده‌ی معناداری آن، حال با توجه به فرض عدم یکسانی واریانس‌ها ($F=3/706$, $sig=0/003$) از طریق آزمون تعقیبی دانت سی^۱ به این موضوع پرداخته شده است که معناداری آزمون بین کدام جفت از میانگین‌های مورد بررسی، بوده است. نتایج آزمون گویای آن است که تفاوت معنادار آزمون به معناداری میانگین تحصیلات ابتدایی با فوق‌لیسانس و بالاتر، راهنمایی با فوق‌لیسانس و بالاتر، دبیرستان با فوق‌لیسانس و بالاتر، دیپلم با فوق‌لیسانس و بالاتر و لیسانس با فوق‌لیسانس و بالاتر بوده است. میانگین رضایت از زناشویی برحسب تحصیلات تفاوت دارد. بزرگ‌ترین میانگین رضایت از زناشویی به ترتیب برای سطح تحصیلات ابتدایی، فوق‌لیسانس و بالاتر، دبیرستان، لیسانس، دیپلم و راهنمایی مشاهده شده است، ولی میانگین رضایت از زناشویی زوجین با سبک زناشویی مدرن برحسب تحصیلات تفاوت دارد. بزرگ‌ترین میانگین رضایت از زناشویی به ترتیب برای سطح تحصیلات ابتدایی، دبیرستان، فوق‌لیسانس و بالاتر، لیسانس، دیپلم و راهنمایی مشاهده شده است. از آن جا که متغیر مستقل به صورت مقیاس ترتیبی و متغیر وابسته به صورت فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. بر اساس نتایج تحلیل واریانس بیانگر آن است که میانگین میزان رضایت از زناشویی برحسب تحصیلات به لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارد، زیرا سطح معنی‌داری حاصله ($sig=0/067$) از $0/05$ بزرگ‌تر است.

۷. میزان رضایت زناشویی برحسب تعداد فرزندان متفاوت است.

برای بررسی رابطه بین تعداد فرزندان که به صورت فاصله‌ای سنجیده شد و میزان رضایت از زناشویی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، در هر دو گروه از زوجین (سنتی و مدرن) نتایج نشان دهنده وجود رابطه و تایید این فرضیه در هر دو گروه می‌باشد، اما با توجه به ضریب همبستگی برای زوجین با سبک زناشویی مدرن و سنتی که به ترتیب دارای مقدار ($-0/196$ و $-0/186$) می‌باشد، نشان از رابطه معکوس و منفی بین این دو متغیر است، یعنی هر چه تعداد فرزندان هر دو گروه زوجین (دارای سبک زناشویی سنتی و مدرن) بیشتر باشد میزان رضایت از زناشویی آن‌ها پایین‌تر می‌آید.

نتایج تحلیل چندمتغیره رضایت از زناشویی زوجین با سبک زناشویی سنتی

در پژوهش حاضر، از رگرسیون چندمتغیره، برای تبیین واریانس متغیر ملاک از طریق برآورد سهم هر متغیر پیش‌بین در این واریانس استفاده شده است که در متغیر دین‌داری حدود $16/3$ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کند (مجذور R تنظیم‌شده $=0/163$). اضافه کردن متغیر تعداد فرزندان به متغیر

¹ Dunnett C

دین‌داری باعث اضافه شدن ۶/۵ درصد از واریانس توضیح داده شده است ($R^2=0/065$ =تغییر مجذور R) و نهایتاً در مدل سوم اضافه شدن متغیر اقتدار خانوادگی باعث اضافه شدن تنها ۲ درصد از واریانس توضیح داده شده است ($R^2=0/020$ =تغییر مجذور R) که این مدل ۲۴/۸ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند (مجذور R تنظیم شده=۰/۲۴۸). پس با توجه به ضریب تعیین (R^2) می‌توان بیان نمود که ۲۴/۸ درصد تغییرات رضایت از زناشویی زوجین با سبک زناشویی سنتی، توسط تغییرات در متغیرهای پیش‌بین دین‌داری، تعداد فرزندان و اقتدار خانوادگی تبیین می‌گردد. مقدار شاخص دوربین-واتسون برابر با ۲/۱۲۷ است. چون این مقدار بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد نتیجه می‌گیریم که خطاها مستقل از هم هستند و خود همبستگی وجود ندارد. یافته‌های تحلیل رگرسیون در خصوص فرضیه فوق تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای دین-داری، تعداد فرزندان و اقتدار خانوادگی به گونه‌ای معنادار می‌توانند رضایت از زناشویی زوجین با سبک زناشویی سنتی ($p\text{-value}\leq 0/05$) را پیش‌بینی نمایند به طوری که این اثرگذاری برای دو متغیر پیش‌بین دین‌داری و اقتدار خانوادگی مثبت و برای متغیر تعداد فرزندان منفی برآورد شده است.

نتایج تحلیل چندمتغیره رضایت از زناشویی زوجین با سبک زناشویی مدرن

در بررسی رگرسیون چندمتغیره برای زوجینی که دارای سبک زناشویی مدرن هستند نتایج نشان می‌دهد که متغیر اقتدار خانوادگی ۱۸ درصد، متغیر پابندی به دین ۲۴ درصد و متغیر تعداد فرزندان تنها ۳ درصد و در مجموع متغیرهای این تحقیق، ۴۳ درصد از واریانس متغیر رضایت از زناشویی را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌های تحلیل رگرسیون در خصوص فرضیه فوق تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای اقتدار خانوادگی، دین-داری و تعداد فرزندان به گونه‌ای معنادار می‌توانند رضایت از زناشویی زوجین با سبک زناشویی مدرن ($p\text{-value}\leq 0/05$) را پیش‌بینی نمایند به طوری که این اثرگذاری برای دو متغیر پیش‌بین دین‌داری و اقتدار خانوادگی مثبت و برای متغیر تعداد فرزندان منفی برآورد شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

۱. میزان رضایت زناشویی برحسب جنسیت متفاوت است.

بر اساس نتایج تحلیل آماری تفاوت معنی‌داری بین جنسیت یعنی مرد و زن بودن و میزان رضایت زناشویی در سبک زناشویی سنتی و مدرن وجود ندارد و آزمون تی تست نیز این فرضیه را هم تأیید نکرده است. بنابراین تحقیقاتی که رحمانی و همکاران در سال ۱۳۹۰ در رابطه با رضایت زناشویی در تهران انجام دارند در مورد رابطه جنسیت و میزان رضایت زناشویی به همان نتیجه در تحقیق حاضر رسیدند، یعنی نتیجه تحقیقاتی آن‌ها هم نشان داده است که تفاوت معناداری بین جنسیت زن و مرد بودن و میزان رضایت زناشویی وجود ندارد. همچنین نتیجه این تحقیق با یافته‌های موسوی و همکارانش نیز همخوانی دارد.

۲. بین فاصله سنی و میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۸۰۴) رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد، بنابراین فرضیه مورد نظر تایید نشد و بین میزان فاصله سنی زوجین با سبک زناشویی سنتی و مدرن میزان رضایت از زناشویی آن‌ها رابطه‌ای وجود ندارد. نتیجه این فرضیه با توجه به نظریه همسان همسری که در مورد فاصله سنی زوجین بحث می‌کند که حیات خانواده از عناصر متعددی تشکیل شده است که سن زوجین و فاصله آن یکی از آن‌هاست. بنابراین لزوماً در نتیجه یک عامل این حیات خانوادگی در معرض تهدید قرار نمی‌گیرد و بسیاری افرادی که شکاف وسیعی زندگی آنان را از همسران‌شان جدا می‌سازد، ولی علی‌رغم آن از زندگی زناشویی موفق‌تر برخوردار هستند، پس می‌توان گفت چنانچه عوامل دیگری بر این عامل افزوده شوند و با آن بیامیزند و موجبات تقویت آن را فراهم سازند که زندگی خانوادگی به مخاطره می‌افتد، هر چند شکاف سنی را هم می‌توان از عوامل دانست که در صورت ترکیب با دیگر عوامل منفی می‌تواند موجبات کاهش ابعاد کیفی و حتی قطعی پیوند زوجیت گردد و باعث نارضایتی زناشویی شود اما میزان این تاثیر در همه جا یکسان نیست. پس می‌توان نتیجه گرفت فاصله سنی نمی‌تواند رضایت زناشویی زوجین را تعیین کند و این فرضیه رد شده و تایید نمی‌گردد.

۳. بین اقتدار خانوادگی و میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی تفاوت وجود دارد. بین میزان اقتدار خانوادگی زوجین با سبک زناشویی سنتی و مدرن و میزان رضایت از زناشویی آن‌ها رابطه وجود دارد و با توجه به ضریب همبستگی (۰/۲۷۸) رابطه‌ای مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد، یعنی هر چه میزان اقتدار خانوادگی در بین زوجینی که سبک زناشویی سنتی و مدرن دارند بالا باشد به همان نسبت میزان رضایت آن‌ها از زندگی‌شان بالاتر می‌رود. نتیجه این فرضیه با نظریه منابع همخوانی دارد. برای استخراج این فرضیه از نظریه منابع استفاده شده است که در این نظریه کارل مارکس و ماکس وبر طبقات اجتماعی را به عنوان برآیندهای متفاوت در قدرت در نظر می‌گیرند که تعیین می‌کند چه کسی و چگونه بیشترین منابع ثروت، قدرت و مقام را در جامعه و خانواده به دست خواهند آورد. علاوه بر این، نظریه بلاد و ولف برای تعیین اقتدار از روش تصمیم‌گیری استفاده می‌کند که در سال ۱۹۶۰ به وجود آمد. در این روش معمولاً از یکی از اعضای خانواده سوال می‌شود چه کسی در خانواده تصمیم‌نهایی را می‌گیرد یا حرف آخر را می‌زند؟ سوال‌هایی در مورد تصمیم‌گیری خانوادگی مانند خرید اتومبیل، هزینه کردن بودجه خانواده و ... پرسیده می‌شود، بنابراین فردی که حرف آخر را می‌زند، اقتدار و قدرت بیشتری دارد. پس باید گفت که با تایید این فرضیه می‌توان نتیجه گرفت در خانواده‌ها هر چه قدر قدرت یکی از زوجین بیشتر باشد رضایت زناشویی نیز بیشتر خواهد بود.

۴. بین میزان پای‌بندی دین و میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی تفاوت وجود دارد. نتایج این آزمون که برای زوجین با سبک زناشویی سنتی و مدرن گرفته شده است با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) نشان از تایید این فرضیه در این گروه از زوجین و ضریب همبستگی (۰/۴۰۴) نشان دهنده رابطه مستقیم و مثبت بین این دو متغیر است، بنابراین بین میزان پای‌بندی به دین زوجین سنتی و مدرن و میزان رضایت از زناشویی آن‌ها رابطه وجود دارد، به عبارتی هرچه میزان پای‌بندی به دین در این گروه

از زوجین بالاتر برود میزان رضایت از زناشویی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. مطابق با نظریه همسان همسری لاک و برگس، در هر لحظه، بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینی عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزینی. وود، در اثرش، ازدواج از دیدگاه مذهبی می‌گوید: هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. سنگ و یامورا، بر این باورند که هر قدر پیوندهای قوی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی در میان‌شان کمتر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استواری و پایدارتر است (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲). پس با توجه به گفته‌های باورمن، لاک و برگس می‌توان گفت که پای‌بندی به دین می‌تواند در رضایت زناشویی تأثیر بگذارد. نتیجه این تحقیق این را هم تأیید می‌کند.

۵. میزان رضایت زناشویی برحسب پایگاه اقتصادی-اجتماعی متفاوت است.

بر اساس نتایج میانگین میزان رضایت از زناشویی برحسب طبقه اقتصادی-اجتماعی به لحاظ آماری تفاوت معناداری دارد. نتیجه این فرضیه را می‌توانیم با یکی از نظریه‌پردازان مبادله اسکانزونی که سعی کرده حفظ ثبات ازدواج سنتی را که بر اساس تقسیم کار برحسب جنس است به وسیله مبادله پایاپای توجیه کند وفق دهیم. این محقق به نظریه مبادله آلوین گولدنر اشاره می‌کند که برحسب آن (اصل مبادله) یک مکانیزم مادی و خاصی است که برای حفظ هر نوع نظام اجتماعی پایداری وجود دارد. وقتی یک طرف از طرف دیگر سود می‌برد در مقابل متعهد می‌شود. هدیه گیرنده نسبت به هدیه دهنده مقروض است و تا زمانی که بدهی‌اش را نپردازد مقروض خواهد ماند، اما به محض این که قرضش را ادا کرد دوباره این جریان از نو آغاز می‌شود و با این ترتیب فرآیند مبادله دائماً ادامه خواهد یافت و بعلاوه اشیاء مورد مبادله، الزاماً نباید از نظر کیفیت و کمیت مساوی باشند. از نظر اسکانزونی مبادله موجد ثبات است، زیرا مبادله یک سلسله از تعهدات دائمی و درباره پرداخت‌ها را در درون نظام نقش برقرار می‌سازد که هر نقش شامل حقوق و تکالیف است. پس نتیجه این فرضیه این می‌تواند باشد که هر چه قدر در خانواده پایگاه اقتصادی-اجتماعی بیشتر باشد، رضایت زناشویی نیز بیشتر خواهد بود.

۶. میزان رضایت زناشویی برحسب تحصیلات متفاوت است.

نتایج تحلیل واریانس بیانگر آن است که میانگین میزان رضایت از زناشویی برحسب تحصیلات به لحاظ آماری تفاوت معناداری دارد که نتیجه این فرضیه با نظریه همسان همسری همخوانی دارد. در مورد نظریه همسان همسری انسان‌ها در ازدواج به دنبال افرادی هستند که ویژگی‌هایی همسانی داشته و مکمل همدیگر باشند، زیرا پیش فرضیات این است که هر چه قدر تجارب و دستاوردهای‌شان به هم نزدیک‌تر باشد آسان‌تر می‌توانند اندیشه، احساسات و جهان‌بینی همدیگر را دریابند و برعکس اگر این اتفاق در امر همسرگزینی از سوی دو زوج اتفاق نیافتد ناسازگاری در بین آن‌ها ایجاد می‌شود و موجب جدایی و طلاق می‌شود. همیشه افراد دنبال ازدواج با فردی هستند که در هر موردی با هم سنخیت داشته باشند، می‌توانند راحت‌تر همدیگر را درک کنند. یکی از این همسانی‌ها، همسانی در مورد میزان تحصیلات در میان زوجین

می‌باشد، رضایت زناشویی را در خانواده‌ها بیشتر می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت هر چه قدر همسانی در تحصیلات بین زوجین بیشتر باشد، رضایت از زناشویی هم بیشتر خواهد بود.

۷. میزان رضایت زناشویی برحسب تعداد فرزندان متفاوت است. هر چه تعداد فرزندان هر دو گروه زوجین (دارای سبک زناشویی سنتی و مدرن) بیشتر باشد، میزان رضایت از زناشویی آن‌ها پایین‌تر می‌آید که این با نتیجه تحقیق صداقت که در سال ۱۳۸۲ انجام داده بود همخوانی دارد، یعنی هر چه تعداد فرزند بیشتر باشد، رضایت کمتر است.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. برگزاری کلاس‌های آموزشی برای زوجین درمورد چگونگی رفتار با هم‌دیگر در خانواده و چگونگی ارتقاء رضایت از زندگی

۲. با توجه به نتیجه تحقیق حاضر که بین عامل میزان پای‌بندی به دین و میزان رضایت زناشویی برحسب سبک زناشویی رابطه وجود دارد تایید گردیده است که به مسئولان مربوط توصیه می‌شود که به منظور شناساندن ارزش‌های دینی و باورهای دینی از روش‌ها و شیوه‌های اصولی، علمی، منطقی و با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی افراد استفاده شود.

۳. برگزاری کلاس‌های مستمر برای زوجین قبل از ازدواج در مورد بهره‌گیری از ارزش‌های دینی و تعاملات صحیح نیز از پیشنهاد‌های کاربردی این پژوهش می‌باشد.

۴. برگزاری کلاس‌های در مراکز مشاوره درباره نحوه همسرگزینی قبل از ازدواج و همسرمداری بعد از ازدواج

۵. پیشنهاد می‌شود که در مراکز مشاوره قبل از ازدواج از یک جامعه‌شناس خانواده استفاده گردد تا در مورد نحوه اداره موفق زندگی و یا نحوه ارتباط درست در خانواده و تبادل نظر در بین زوجین آموزش لازم داده شود.

منابع

- الماسی، نفیسه؛ خیبری، محمد؛ فراهانی، ابوالفضل و حمایت‌طلب، رسول. (۱۳۸۹). رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در ورزشکاران و مقایسه آن با افراد عادی. **فصلنامه مدیریت ورزشی**. شماره ۵، صص ۸۷-۷.
- جعفری، علیرضا. (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج. **فصلنامه علوم رفتاری**.
- روحانی، عباس؛ معنوی‌پور، داود. (۱۳۸۷). رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی مبارکه. **فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی**. شماره‌های سی پنجم و سی و ششم.
- زندۍ‌پور، طیبه؛ مومنی‌جاوید، مهرآور. (۱۳۹۰). بررسی رابطه رضایت زناشویی و رضایت شغلی در کارکنان شرکت آب و فاضلاب استان تهران. **فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی**. دوره سوم، شماره ۷، صص ۱۲۹-۱۱۳.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۹). **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**. تهران: انتشارات سروش.

سحابی، جلیل؛ خانی، سعید و خانی، اسعد. (۱۳۹۲). الگوهای ازدواج و ارتباط آن با رضایت زناشویی مورد مطالعه دانشجویان همسرمدار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۷۷-۱۱۲.

طاهری تیمورلویی، طاهره. (۱۳۸۹). تعیین عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان متاهل شهر آذرشهر. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد.

قلی‌زاده، زلیخا؛ برزگری، لیلا؛ غریبی، حسن و باباپور خیردین، جلیل. (۱۳۸۹). بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی با رضایت زناشویی. دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشور رفتار/ روان‌شناسی بالینی و شخصیتی. سال هفدهم، شماره ۴۳.

موسوی، اسماعیل؛ نوایی‌نژاد، شکوه و عاطف وحید، محمدکاظم. (۱۳۸۴). تاثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متاهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. فصلنامه تازه‌های پژوهش‌های مشاوره. جلد ۶، شماره ۲۲.

وزیری، مزده. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوج‌ها بر اساس نیازهای اساسی آن‌ها. فصلنامه رویش روان‌شناسی. سال ۴، شماره ۱۲.

یزدانی، کریم. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با سازگاری زناشویی در بین معلمان متاهل مدرس راهنمایی شهر مرند. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد.